

را کونیکه گیشانه روزیاست با وصل و جب بفرماید  
ار رسول خدا جو نیده اندازونه از غمزه اندک و درشت  
آبراست از دریا علم او با اندک کبیده از بارانها درین  
اجسام او خدا بر سروران سرورانشین او در خلیا نیبا  
سپارانشین او جو آدم در کستی قدم زده ز بر سر  
صبح از سر دم زده جو کوششش را مفرجه بر روی  
برون گشای خلیل زوی سیرت کاتبش بر روی  
جو کبسته از خرم خوش مسج از تمام او برده بوی کلمه  
او سخته جو برین جو سس از تمام کبیده علم بود کوف  
رز خریده دران و اول صایح با کف کس بود با و خدای  
خوش بود ز بکست و فایز از سر و سرین با صفا  
نذرو کافیش با کب کوان خرمی است العایری لوط  
بعضی شاکت کرده اندم صدر این است موقع فایز  
زیرا که این منفعت بقره و علم انون جو کف  
مقصود ازین است مع بقره است با شرف جمع برین  
او و س

او و سبب این است برتیم اطفال نقطه زلفاش  
بر سینه عینت بقول سابق تا من و واقف کدینه  
حدیم تن نقطه علم او بر خط حکم و واقف غصبات  
بر خط قوفی است دست لمدی و غمزه در و در  
بو تقنون و دریا علم او مسعود کلمه زرم دران  
مجز و زنده است ما نیست مر نقطه تعلق است  
حدیم الکابین نقطه علم او سواد کد متعلق است  
قرینه صفت است کج بر سبب اندک و برین بقدر  
حال خود لفظ او تقنون ای واقف کدینه  
مر نقطه علم او و برین تهر بر منافق نقطه است  
بانت لفظ هر را کونیکه قبول ایف مکن خطه امر  
بقول خطه کتابا و قیدت را از با جمیع حلقه  
بر شریک که موطن علم شریک است لاجل سبب  
و رسول است دادمان دران حضرت است  
تأیید مرتبه کنان است نقطه و ایره علم با کونیکه

Copyright © King Saud University